

آسیب‌شناسی پژوهش روبین درباره حضرت محمد ﷺ

hrezaii@ut.ac.ir

حسن رضایی هفتادر / استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران.

مرتضی ولی‌زاده / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران.

Hemmat110@yahoo.com

پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۲

دریافت: ۹۳/۶/۱۱

چکیده

شناخت دقیق آراء خاورشناسان درباره معارف اسلامی و نقد علمی دیدگاه‌های آنان، برای ما مسلمانان ضرورتی انکارناپذیر است. به همین منظور، مقاله حاضر، تلاش کرده تا به معرفی و آسیب‌شناسی پژوهش روبین درباره حضرت محمد ﷺ بپردازد. روش تحقیق در این پژوهش اسنادی و رویکرد آن، تحلیلی - انتقادی است. اگرچه بررسی دیدگاه‌های روبین درباره آن حضرت مرکز توجه و تحلیل بوده، برای تکمیل این تحقیق در مواقع موردنیاز، از دیدگاه‌های عالمان مسلمان استفاده شده است. پژوهش روبین، گویای تتبع بسیار وی در منابع اسلامی است. برداشت نادرست روبین از برخی آیات قرآن، باعث شده تا وی اشتباهاتی در مورد برخی از مطالب مربوط به حضرت محمد ﷺ مرتکب گردد.

کلیدواژه‌ها: یوری روبین، حضرت محمد ﷺ، معنای مزمل و مدثر، انتساب شرک به پیامبر ﷺ،

گستره رسالت، تشکیک در روایات سیره و اسباب‌النزول.

مقدمه

اسلام با تکیه بر قرآن، تفاسیر قرآن، سیره و حدیث. تحقیقات اخیر وی، درباره اهمیت بیت المقدس در صدر اسلام است. به بیان دقیق تر، وی در این تحقیقات به بررسی جایگاه قبة الصخرة بیت المقدس در صدر اسلام پرداخته و به مقایسه منزلت آن با کعبه مکه از نگاه مسلمانان صدر اسلام، مبادرت کرده است. در حال حاضر، پژوهش های وی درباره بررسی توصیف نبوت محمد ﷺ در قرآن و مقایسه آن با منابع غیر قرآنی متمرکز است. برخی از آثار وی بدین قرارند:

The eye of the beholder. The life of Muhammad as viewed by the early Muslims, Princeton 1995;

نگاه بیننده. زندگی محمد ﷺ [از منظر مسلمانان صدر اسلام];

The life of Muhammad (The formation of the Classical Islamic world: Vol.4), Aldershot 1998;

زندگی محمد ﷺ [شکل گیری جهان صدر اسلام: ۴ جلدی];

"The Shrouded Messenger. On the Interpretation of *al-muzzammil* and *al-mudaththir*", JSAI 16 (1993);

«رسول جامه به خود پیچیده در تفسیر سوره های مزمل و مدثر»؛

"Apes, Pigs and the Islamic identity", *IOS 17* (1997);

«بوزینه ها و خوک ها و تشبیه به آنها در اسلام»؛

"Prophets and Caliphs. The biblical foundations of the Umayyad authority", *Method and Theology in the study of Islamic origins*, Leiden 2003.

«انبیاء و خلفا. اساس قدرت بنی امیه»؛

خاورشناسان حاصل پژوهش های خود درباره معارف اسلامی را در قالب مقالات، کتاب ها و دائرةالمعارف ها، به جهان علم عرضه کرده اند. شناخت دقیق این آثار و دیدگاه های مطرح شده در ضمن آنها، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می رسد؛ چه اینکه در پس نگارش برخی از این آثار، اهداف استعماری و تبشیری نهفته است. افزون بر این، در لابه لای مطالب مطرح شده در این آثار، شبهات و انتقادهایی درباره معارف اسلامی و قرآنی به چشم می خورد. لزوم شناخت صحیح اسلام پژوهی امروز در غرب، آن گاه دوچندان می شود که به یاد آوریم عالمان مسلمان در گذشته، همواره خود را به پاسخ گویی انتقادات و اعتراض های یهود و نصارا ملزم می دانستند؛ چنان که امامان بزرگوار شیعه مانند امام صادق و امام رضا علیه السلام از پیشگامان مناظره با مخالفان اسلام و پیروان دیگر ادیان بودند. آنان با حضور در مجالس مناظره، شبهه ها و پرسش های اهل کتاب و زنادقه را پاسخ می گفتند. دیدگاه های خاورشناسان درباره معارف اسلامی، در مراکز پژوهشی علوم اسلامی ایران چندان بررسی نشده است. در این زمینه، نگارنده در نوشتار حاضر، کوشیده تا به معرفی و آسیب شناسی مقاله «محمد ﷺ» در *دائرةالمعارف قرآن* لیدن پردازد.

۱. یوری روبین

برای آشنایی با نویسنده مقاله «محمد ﷺ»، در آغاز اطلاعاتی درباره زندگی نامه علمی او ارائه می شود.

یوری روبین یهودی الاصل و استاد گروه مطالعات اسلامی و عربی دانشگاه تلاویو اسرائیل است. وی یکی از اعضای هیئت مشورتی *دائرةالمعارف قرآن* (Encyclopaedia of the Quran) بود.

زمینه پژوهش های روبین عبارتند از: بررسی صدر

۲-۲. اهداف رسالت

روبین در مورد اهداف رسالت حضرت محمد ﷺ اظهار می‌دارد: رسالت پیغمبر [ﷺ] نوعی وجه غالب آخرالزمانی دارد؛ زیرا نقش او بیم دادن کافران از عذاب آخرت است. وجه مذکور در آیاتی سرب بر می‌آورد که اهداف رسالت را توصیف می‌کنند. آنچه از پیغمبر خواسته می‌شود تا به آن هشدار دهد، ساعت موعود (نازعات: ۴۲-۴۵) یا روز جزاست که قرآن با نام‌های متفاوتی از آن یاد می‌کند (ابراهیم: ۴۴؛ مریم: ۳۹؛ غافر: ۱۸). برخی آیات، آشکارا به این آینده معادشناختی اشاره نمی‌کنند و در عوض، بر مثال‌هایی از سرگذشت بعضی جوامع نابودشده تأکید می‌نمایند. در این موارد از پیغمبر ﷺ خواسته می‌شود تا هم‌عصران خود را به مصیبتی هشدار دهد که قوم عاد و قوم ثمود را گرفتار ساخت (فصلت: ۱۳-۱۶) (روبین، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۴۲-۴۴۳).

۲-۳. پیامبر ﷺ و مؤمنان در قرآن

به عقیده روبین، رحمت خداوند به پیغمبر ﷺ، شامل حال امتی نیز می‌شود که قرار است از آن حضرت پیروی کنند و یاورش باشند. خداوند مؤمنان را در سایه پیغمبر یکپارچه ساخته است. آن حضرت به تنهایی نمی‌توانست به این موفقیت دست یابد (انفال: ۶۳). همچنین بر بخشش گناهان که ناشی از حضور پیغمبر ﷺ است تأکید خاصی می‌شود. در آیه ۶۴ سوره «نساء» می‌خوانیم: «... اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیغمبر نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند.» همچنین از مؤمنان خواسته می‌شود که در سرسپردگی به خداوند و در امید داشتن به پاداش او در روز قیامت، پیغمبر ﷺ را الگو قرار دهند (احزاب: ۲۱). از مؤمنان خواسته می‌شود که وفاداری‌شان به پیغمبر ﷺ بسیار

"Prophets and prophethood", in *Encyclopaedia of the Quran*, (Leiden, Brill, 2004).

«انبیاء و نبوت»؛

"Children of Israel", in *Encyclopaedia of the Quran*, (Leiden, Brill, 2001).

«بنی اسرائیل»؛

"Prophets and Progenitors in the early Shi'a tradition", *JSAI 1* (1979).

«انبیاء و نیاکان در روایات اولیه شیعه»؛

(Rubin, 2001, vol.1, p. 303-307; id., 2003, vol.3, p. 440-457; id., 2004, vol.4, p. 289-306).

۲. محتوای مقاله محمد [ﷺ]

خلاصه‌ای از مطالب مدخل [محمد ﷺ] ذیل‌آین می‌شود:

۲-۱. القاب پیامبر ﷺ

روبین درباره القاب حضرت محمد ﷺ می‌نویسد: هنگامی که قرآن به صورت دوم شخص به پیامبر [ﷺ] خطاب می‌کند، او را «محمد» نمی‌خواند، بلکه با القاب گوناگونی به وی خطاب می‌کند که حاکی از رابطه او با خداست. در این موارد، سوای عنوان «رسول»، پرکاربردترین عنوان، «نبی»، به معنای «پیامبر [ﷺ]» است (انفال: ۶۴؛ تحریم: ۸ و...). صفات دیگر به هدف رسالت او اشاره دارند که پرکاربردترین آنها «بشیر» (بشارتگر)، و «نذیر» (بیم‌دهنده) (بقره: ۱۱۹)، و نیز «مذکر» (تذکردهنده) (غاشیه: ۲۱) است. در آیات ۴۵ و ۴۶ سوره «احزاب»، مجموعه‌ای از القاب و عناوین ذکر می‌شود: «شاهد» (گواه)، «مبشر» (بشارت‌دهنده)، «نذیر»، «داعی» (دعوت‌کننده [به سوی خداوند]) و «سراج منیر» (چراغ تابناک) (روبین، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۴۰).

رسالت وی توصیف می‌شوند. کفر آنها در برخی از آیات قرآن، به صورت خودداری از گوش سپردن به پیغمبر بیان می‌شود. براساس آیه پنجم سوره «فصلت»، کافران می‌گویند: «دل‌های ما از آنچه ما را به سوی آن می‌خوانی سخت محجوب و مهجور است و در گوش‌های ما سنگینی و میان ما و تو پرده‌ای است.» براساس آیه‌ای دیگر، آنان چون قرآن را می‌شنوند، چیزی نمانده که او را چشم بزنند (قلم: ۵۱). تمسخر نیز از جمله واکنش‌های متداول در قبال پیغمبر است (انبیاء: ۳۶؛ فرقان: ۴۱-۴۲).

قرآن بر لجاجت کافران تأکید می‌کند و می‌گوید که حتی اگر خداوند بر پیغمبر «مکتوبی نوشته بر کاغذ» نازل می‌کرد و «آنان آن را با دست خود لمس می‌کردند»، باز هم به او ایمان نمی‌آوردند (انعام: ۷).

کافران در ازای ایمان به پیغمبر، تقاضاهای خاصی را شرط می‌گذارند. در آیه ۱۵ سوره «یونس» از پیغمبر می‌خواهند تا مندرجات آیتش را تغییر دهد. کفر اهل کتاب به شدت محکوم می‌شود. آنان به‌رغم این واقعیت که کتاب نازل شده بر پیغمبر، تصدیق‌کننده کتاب‌های مقدس خود آنهاست، پیغمبر را تکذیب کردند. آنها متهم می‌شوند که عمداً دستورهای کتاب خود [یعنی ایمان آوردن به پیغمبر] را نادیده گرفتند (بقره: ۸۹، ۹۱، ۱۰۱؛ نساء: ۴۷).

در قرآن اشاره می‌شود که کافران به آزار و اذیت عملی نیز دست زدند و بخصوص پیغمبر ﷺ را به بیرون راندن از زادگاهش تهدید کردند (اسراء: ۷۶). در آیه ۳۰ سوره «انفال» این عمل و نیز به بند کشیدن یا حتی کشتن پیغمبر ﷺ از جمله نیرنگ‌های آنان است. تهدید بیرون راندن در قصه‌های پیغمبران پیشین (ابراهیم: ۱۳) از قبیل شعیب (اعراف: ۸۸) و لوط (اعراف: ۸۲؛ شعراء: ۱۶۷؛ نمل: ۵۶) نیز تکرار می‌شود و این عمل بخش عمده‌ای از آزار و اذیت‌هاست. قرآن هم به وجود کفر اشاره می‌کند و هم دلایل متعددی برای آن برمی‌شمرد که از منابع متفاوتی ناشی

بیشتر از وفاداری‌شان به خود باشد (احزاب: ۶)، و حرمت او را به جای آرند. به عبارت دیگر، آنان نمی‌توانند بی‌اذن او محضرش را ترک کنند (نور: ۶۲-۶۳)، و مجاز نیستند صدای خود را از صدای او بالاتر ببرند (حجرات: ۵-۱). پیغمبر ﷺ اسوه اخلاص مؤمنان و نیز شارع آنان است و قوانین را از طریق وحی به آنان می‌رساند. پس در آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره «انعام»، به او فرمان داده می‌شود تا به آنها بگوید: «بباید تا آنچه را پروردگارتان برای شما حرام ساخته بر شما بخوانم.»

قرآن هم وظیفه اطاعت از پیغمبر ﷺ و هم مرتبت منحصر به فرد او را در میان مؤمنان بیان می‌کند. این مرتبت در آیاتی آشکار می‌گردد که سهم او از غنایم جنگ با سهم بقیه مؤمنان مقایسه می‌شود. به مرتبت زنان پیغمبر در میان مؤمنان نیز اشاره می‌گردد. مرتبت آنها همچون مادر مؤمنان است؛ یعنی پس از پیغمبر ﷺ نمی‌توانند به همسری مؤمنان درآیند (احزاب: ۶). برخلاف این اعلام قرآن که زنان پیامبر مادران مؤمنانند، قرآن اعلام می‌کند که [حضرت] محمد [ﷺ] پدر هیچ‌یک از مؤمنان نیست (احزاب: ۴۰)؛ یعنی او می‌تواند پس از [مر یا طلاق] آنها، با همسرانشان ازدواج کند. همچنین به مؤمنان در مورد چگونگی رفتار در خانه پیغمبر ﷺ هم دستورهایی داده می‌شود: مؤمنان نباید ناخوانده وارد گردند و پس از خوردن غذا نباید سرگرم تعریف شوند. هر چیزی از زنان او خواستند، باید از پشت پرده‌ای آن را بخواهند (احزاب: ۵۳) (روبین، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۴۷-۴۴۸).

۲-۴. پیامبر و کافران در قرآن

روبین درباره رابطه حضرت محمد ﷺ با کافران می‌گوید: رابطه میان پیغمبر ﷺ و کافران، بخش اعظم آیات قرآنی مربوط به رسالت او را به خود اختصاص می‌دهد و در آنها بسیاری از وجوه واکنش منفی کافران در برابر

۲-۵. حمایت الهی

رویین در مورد حمایت الهی از حضرت محمد ﷺ می‌نویسد: تعداد زیادی از آیات قرآن، به دفاع خداوند از پیغمبر علیه انواع و اقسام تکذیب‌ها اختصاص دارند و شالوده‌ای فراهم می‌آورند تا شأن و مقام آن حضرت که فرستاده خداست، بر آن استوار شود. خداوند به اصالت فرستاده‌اش که یگانه منبع هدایت است، مشروعیت بخشیده و به همین سبب، انواع استدلال‌ها در دفاع از اصالت رسالت او عرضه کرده است. خداوند در پاسخ به انتقادهایی که انسجام روانی [حضرت] محمد ﷺ را زیر سؤال می‌بردند، به کافران خطاب می‌کند: «یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده، و از سر هوس سخن نمی‌گوید» (نجم: ۲-۳). خداوند مکرراً تصریح می‌کند که پیامبر ﷺ نه کاهن است و نه شاعر و نه مجنون (قلم: ۲؛ حاقه: ۴۰-۴۲). در آیات چندی درباره اصالت وحی پیامبر ﷺ تصریح می‌شود که پیغمبر «به حق» (بقره: ۱۱۹، ۲۵۲؛ نساء: ۱۷۰؛ توبه: ۳۳؛ فاطر: ۲۴) فرستاده شد و خدا و فرشتگان، گواه حقیقت رسالتش هستند (نساء: ۱۶۶؛ رعد: ۴۳). این واقعیت که قرآن تصدیق‌کننده کتاب‌های آسمانی پیشین و اصولاً مؤید قصه‌های پیامبران است، در تأیید اصالت آن به کار گرفته می‌شود (یوسف: ۱۱۰-۱۱۱). قرآن به وجوه خاص‌تر به تردیدهای کافران درباره اصالت پیام پیغمبر ﷺ نیز پاسخ می‌گوید. خداوند در پاسخ به اتهام اقتباس مطالب قرآن از دیگران، به زبان عربی قرآن اشاره می‌کند که شبهه وجود یک آموزگار عجمی برای پیامبر را که مخالفانش به طعنه بیان می‌کردند، باطل می‌کند (نحل: ۱۰۳). شاید منظور از تأکید قرآن که پیغمبر پیش از نزول قرآن هیچ کتابی را نخوانده و ننوشته بود (عنکبوت: ۴۸)، نیز رد اتهام اقتباس مطالب قرآن از دیگران بوده باشد. خدا تأکید می‌کند بشر بودن پیغمبر مانع آن نیست که او فرستاده خداوند باشد و در اثبات این

می‌شوند. در یک مورد، ترس منشأ کفر است؛ کافران می‌گویند که اگر از پیغمبر پیروی کنند از سرزمینشان ربوده خواهند شد (قصص: ۵۷). کسانی که در این آیه سخن می‌گویند، احتمالاً مردمان مکه‌اند که خداوند بلافاصله به ایشان پاسخ می‌دهد، برایشان «حرمی امن که محصولات هر چیزی به سوی آن سرازیر می‌شود» (قصص: ۵۷؛ انفال: ۲۶؛ عنکبوت: ۶۷) برقرار کرده است. غالباً کفر معاصران پیغمبر، توأم با تردیدهایی درباره اصالت پیام او بوده است؛ یعنی آیا او واقعاً فرستاده خداوند است یا خیر. سرچشمه این تردیدها، نقصان‌هایی است که به شخصیت و رسالت او نسبت می‌دادند. تهمت‌های علیه پیغمبر ﷺ غالباً مبتنی بر این ادعاست که او انسانی بیش نیست و خداوند معمولاً انسان‌ها را به عنوان فرستادگان خود نمی‌فرستد و فقط فرشتگان را به این کار می‌گمارد (اسراء: ۹۴؛ انبیاء: ۳).

در نتیجه این تصور که فرستاده خداوند حتماً باید فرشته باشد، کافران مدام از پیغمبر تقاضا می‌کردند از آسمان نشانه‌هایی (معجزاتی) بیاورد. از او خواسته می‌شود که یا خودش آیتی بیاورد (اعراف: ۲۰۳) و یا کاری کند که آیتی از جانب خدا فرستاده شود (رعد: ۲۷ و ۷). در آیه ۱۲ سوره «هود» از وی خواسته می‌شود کاری کند که گنجی بر او فرو فرستاده شود یا فرشته‌ای همراهی‌اش کند (انعام: ۹۸؛ فرقان: ۸-۷). در آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره «اسراء»، مجموعه‌ای از معجزات خاص طلب می‌شود؛ از جمله: چشمه‌ای برایشان بجوشاند؛ باغی از درختان انگور و خرما پدید آرد و میان آنها جویبارها را روان سازد؛ کاری کند آسمان بر سرشان فرود آید؛ خدا و فرشتگان را در برابرشان حاضر آرد؛ خانه‌ای طلاکاری‌شده نشان دهد؛ به آسمان بالا رود و کتابی با خود بیاورد که قابل خواندن باشد (روبین، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۴۸-۴۵۰).

۳-۱. معنای مزمل و مدثر

روبین درباره معنای مزمل و مدثر می نویسد: قرآن هنگامی که حضرت محمد [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] را وامی دارد تا برخیزد و رسالتش را انجام دهد، وی را «مزمل» (جامه به خویشتن فروویچیده) (مزمل: ۱) و «مدثر» (ردای شب بر سر کشیده) (مدثر: ۱) می خواند که احتمالاً نماد اکراه و پا پس کشیدن است (روبین، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۴۰).

۳-۱-۱. بررسی: خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَزْمُلُ﴾ (مزمل: ۱).

کلمه «مزمل» - با تشدید زاء و تشدید میم - که در این آیه به کار رفته، در اصل «متزمل» بوده است. این واژه، اسم فاعل از باب تفعیل (تزمیل) است. کسی که جامه یا چیزی به خود می پیچد تا بخوابد یا - مثلاً - سرما را دفع کند، آن را «مزمل» می گویند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۶۰).

نیز می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾ (مدثر: ۱).

کلمه «مدثر» - با تشدید دال و تشدید ثاء - که در این آیه به کار رفته، در اصل «مدثر» بوده که از مصدر «دثر» مشتق شده است. معنای این واژه، پیچیدن جامه و پتو و امثال آن به خود در هنگام خواب است. به لباس روی یا پارچه ای که انسان هنگام خواب روی خود می اندازد، دِثَار گفته می شود (همان، ص ۷۹).

مفسران درباره آیات مذکور مطالب ذیل را بیان کرده اند:

۱. خطاب هایی همچون ﴿يَا أَيُّهَا الْمَزْمُلُ﴾ و ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾، نشانه شدت ملاطفت و صمیمیت بین عرب بوده که مخاطب را به اسم صدا نمی زدند، بلکه به حالی که در آن بوده خطاب می کردند؛ مثل اینکه رسول الله [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] به امیرمؤمنان علی [عَلِيٌّ] هنگامی که روی زمین خوابیده بود خطاب کردند: «قم یا ابا تراب». پس خطاب ﴿يَا أَيُّهَا الْمَزْمُلُ﴾، بیان شدت ملاطفت الهی و عنایت پروردگار در آغاز بعثت به رسول اکرم [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] است (فیاض بخش، ۱۳۸۹، ص ۴۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۷۹).

موضوع، به پیغمبر می گوید به کافران یادآوری کند که پیامبران دیگر هم بشر بودند. خداوند از پیامبر می خواهد کافران را به مبارزه بطلبد تا کسانی که مدعی اند قرآن ساختگی و جعلی است، اگر می توانند یک یا ده سوره همانند سوره های قرآن بیاورند (یونس: ۳۸؛ هود: ۱۳).

هنگامی که مشرکان پیامبر را از شهر بیرون می کنند، خداوند سکینه اش را به نزد آن حضرت می فرستد و او را با سپاهیان نادیدنی حمایت می کند. این رویداد هنگامی رخ داد که پیغمبر و یکی از اصحابش در غاری پنهان می شوند و او به دوستش اطمینان می دهد که خداوند با آنان است (توبه: ۴۰). خداوند در رؤیایی خاص، به پیامبر مژده می دهد که او و مؤمنان وارد مسجدالحرام خواهند شد و در آنجا مناسک را به جای می آورند (فتح: ۲۷)، و با این کار، تحمل تبعید را برای پیغمبر آسان می سازد. در برخورد های مسلحانه مستقیم با کفار، خداوند به سود پیامبر [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] در جنگ مداخله می کند (انفال: ۱۷) و به آنان پیروزی (فتح: ۱) عطا می کند. حمایت و تأیید الهی از فضل و رحمت او به پیامبر ناشی می شود (نساء: ۱۱۳). فرشتگان جنگجو خشم خداوند را بر سر دشمنان پیغمبر فرو می آورند و بر فراز گردن آنها می زنند (انفال: ۱۲-۱۳). نام خاص محلی که در آن خداوند به یاری مؤمنان می آید، در آیه ۱۲۳ سوره «آل عمران» آورده می شود: «خدا شما را در بدر یاری کرد، با آنکه ناتوان بودید...» (روبین، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۵۰-۴۵۴).

۳. بررسی مقاله «محمد [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]»

مدخل «محمد [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]» مثبت و منفی دارد. مهم ترین امتیاز مقاله «محمد [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]» آن است که روبین از آیات قرآن استفاده فراوان نموده و تقریباً برای هر مطلبی به آیه ای از قرآن استناد کرده است. در مدخل «محمد [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]»، نقاط ضعفی وجود دارد که در ادامه می آید:

راحتی تمام شد؛ تا به مقصد نرسیدی استراحت را کنار بگذار و نهایت تلاش را به کار بند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۸۰). در ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾، الزامی نیست که حتماً مخاطب لباس خواب بر خود پیچیده باشد، بلکه در هر تأکیدی بر سعی و تلاش، به کار می‌رود. به این ترتیب، معنای این آیه چنین می‌شود: ای کسی که پیچیده در موانع هستی - که مانع فعالیت و تلاش می‌شود - و یا: ای کسی که در راحتی و آسایشی، اکنون هنگام تلاش است (فیاض‌بخش، ۱۳۸۹، ص ۲۲۶-۲۲۷).

از آنچه یاد شد، به دست می‌آید که مفسران از خطاب‌های موجود در دو آیه مورد بحث، اکراه و عقب‌نشینی را برداشت نکرده‌اند. همین امر، نشان می‌دهد که رویین از تعابیر مزمل و مدثر، به غلط اکراه و عقب‌نشینی پیامبر ﷺ از انجام دادن رسالت را برداشت کرده است.

۳-۲. نام‌گذاری قرآن به «ذکر»

رویین در مورد وجه تسمیه قرآن به «ذکر» می‌گوید: «ذکر» به عنوان نام همه آیات وحی شده است (نحل: ۴۴). احتمالاً این تسمیه بدان جهت است که آیات قرآن به داستان‌های گذشتگان اشاره می‌کنند (رویین، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۴۱).
۳-۲-۱. بررسی: رویین علت نام‌گذاری قرآن به «ذکر» را وجود داستان‌های گذشتگان در آن می‌داند. این دیدگاه را نمی‌توان پذیرفت. واژه «ذکر» بیش از هفتاد بار در قرآن کریم به کار رفته که در حدود هفده بار آن، قرآن کریم مراد است (مهدوی‌راد، ۱۳۸۲، ص ۲۱۴). مفسران در وجه تسمیه قرآن کریم به «ذکر»، دو علت را بیان کرده‌اند:

نخست. قرآن ذکر است؛ زیرا بندگان را به شیوه عبادت و حدود و آداب آن آگاه می‌کند و با دیگر آموزه‌ها و حکمت‌هایش، انسان را به حقایق الهی تنبّه می‌دهد و موجب تذکر و یادآوری انسان‌ها و بیداری و هشیاری آنان می‌گردد (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۴؛ مکارم شیرازی،

آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۱۲۹).

۲. منظور از پوشیدن جامه، جامه ظاهری نیست، بلکه لباس نبوت و رسالت است. در حقیقت در تعبیر ﴿يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ﴾ نبوت، تشبیه به لباس شده که صاحبش را می‌آراید و زینت می‌دهد (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۲۳).

۳. مشرکان در آستانه موسم حج جمع شدند و سران آنها مانند ابوجهل، ابوسفیان، ولید بن مغیره، نضر بن حارث و... به مشورت پرداختند که در برابر سؤالات مردمی که از مناطق دیگر به مکه می‌آیند و جسته‌گریخته مطالبی درباره ظهور پیامبر اسلام ﷺ شنیده‌اند، چه بگویند. سرانجام، آنان تصمیم گرفتند که بگویند پیامبر ﷺ «ساحر» است؛ زیرا یکی از آثار پدیده سحر، جدایی افکندن میان دو همسر، و پدر و فرزند است و پیامبر با عرضه آیین اسلام، چنین کاری را انجام داده بود. چون این سخن به گوش پیامبر رسید، سخت ناراحت شد و بیمارگونه، غمگین به خانه آمد و در بستر آرمید که آیات فوق نازل شد و او را دعوت به قیام و مبارزه کرد (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۶۹۶).

۴. در ایامی پیامبر ﷺ با تعبیر ﴿يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ﴾ مورد خطاب قرار گرفت که در غار حرا زندگی می‌کرد. بنابراین، تعبیر مذکور می‌گوید: «از انزوا و عزلت به درآی و به انداز خلق و هدایت بندگان خدا پرداز» (همان، ص ۶۹۷).

۵. گویا خداوند با تعابیر ﴿يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ﴾ و ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾، به پیامبر ﷺ خطاب فرمود: هان ای کسی که استراحت کرده‌ای! زمان فراغت تمام شد، و اینک زمان دشواری‌های تکالیف و رنج هدایت مردم فرا رسیده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۹، ص ۱۱۶).

۶. وقتی می‌خواستند به کسی بگویند که تا به مقصد نرسیدی نهایت جدیت را به کار بند، این‌گونه خطاب می‌کردند: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾، ای کسی که آماده خواب شدی و لباس یا ردای استراحت بر خود پوشیدای، دیگر

کسی باشم که اسلام آورده است، و [به من فرمان داده شده که:] هرگز از مشرکان مباش».

مشرکان با اینکه آفرینش جهان را مخصوص ذات خداوند می‌دانستند، بت‌ها را به عنوان تکیه‌گاه و پناهگاه برای خود انتخاب کرده بودند و گاه برای هر یک از نیازمندی‌های خود، به یکی از بت‌ها تکیه می‌کردند. به خدایان متعدد (خدای باران، خدای نور، خدای ظلمت، خدای جنگ و صلح و خدای رزق و روزی) قایل بودند و این همان عقیده ارباب انواع است که در یونان قدیم نیز وجود داشت. قرآن برای از بین بردن این پندار غلط، به پیامبر در آیه مذکور چنین دستور می‌دهد: «به آنان بگو: آیا غیر خدا را ولی و سرپرست و پناهگاه خود انتخاب کنم؟ درحالی‌که او آفریننده آسمان‌ها و زمین، و روزی‌دهنده همه موجودات است بدون اینکه خود نیازی به روزی داشته باشد.» بنابراین، هنگامی که آفریننده همه چیز اوست، و سراسر جهان هستی را بدون اتکا به قدرت دیگری به وجود آورده، و روزی همگان به دست اوست، چه دلیلی دارد که انسان غیر او را سرپرست و تکیه‌گاه قرار دهد؟ اصولاً بقیه، که همه مخلوقند و در تمام لحظات وجود خود به او نیازمندند، چگونه می‌توانند نیاز دیگری را برطرف سازند؟ نکته دیگری که نباید از آن غفلت کرد این است که در میان صفات خدا، در اینجا تنها روی اطعام بندگان و روزی دادن آنها تکیه شده است. این تعبیر شاید به سبب آن است که بیشتر وابستگی‌ها در زندگی مادی بشر، بر اثر همین نیاز مادی است. همین - به اصطلاح - «خوردن یک لقمه نان»، افراد را به خضوع در برابر اربابان زر و زور وامی‌دارد و گاهی تا سرحد پرستش در مقابل آنها کرنش می‌کنند. قرآن در آیه مذکور می‌گوید که روزی شما به دست اوست نه به دست این‌گونه افراد و نه به دست «بت‌ها». صاحبان زر و زور خود نیازمندند و احتیاج به اطعام دارند. تنها خداست که اطعام می‌کند و نیاز به اطعام ندارد.

۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۰۸-۲۰۹).

دوم. قرآن ذکر است؛ چون آیات الهی برای ایمان‌آوردگان به آن، بلندآوازی، شرافت و افتخار می‌آفریند. شاهد بر این مدعا، قول خداوند است که می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ﴾ (زخرف: ۴۴) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۷۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۰۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۴).
سوره‌ها و آیات مشتمل بر ذکر، مکی هستند و آهنگ کلی آیات و سوره‌های مکی، غفلت‌زدایی، بیداری‌آفرینی، برشوراندن نهفته‌های درون و صیقل دادن فطرت و زدودن پیرایه‌های جان است. گویا ذکر بودن قرآن بیشتر از همه چیز، از همین جهت است: از جهت بیداری و بیدارگری، غفلت‌زدایی و روشنگری، هویت بخشیدن و انسان را به خدا پیوند دادن و او را از زشتی‌ها و پلیدی‌ها رهانیدن (مهدوی‌راد، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵).

۳-۳. انتساب شرک به پیامبر ﷺ

روبین درباره شرک حضرت محمد ﷺ پیش از اسلام و بعثت، اظهار می‌دارد: پیغمبر نخستین کس از قومش بود که مسلمان شد و شرک را کنار گذاشت. این موضوع در آیه ۱۴ سوره «انعام» بیان می‌شود (روبین، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۴۳-۴۴۴).

۳-۳-۱. بررسی: چنان‌که گذشت، روبین به شرک پیامبر ﷺ پیش از اسلام و بعثت قایل شد و برای اثبات آن به آیه ۱۴ «انعام» استناد کرد. این دیدگاه وی بنا به دلایل ذیل نادرست است:
۱. خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ أَغْبِرَ اللَّهُ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (انعام: ۱۴)؛ بگو: «آیا غیر از خدا - پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین - سرپرستی برگزینم؟ و اوست که خوراک می‌دهد و خوراک داده نمی‌شود.» بگو: «من مأمورم که نخستین

پیامبر ﷺ است، وقتی که آن حضرت چهار سال پیش نداشت و می‌خواست همراه برادران رضاعی خود به صحرا برود، حلیمه خاتون یک مهره یمانی که در نخ قرار گرفته بود، برای محافظت به گردن پیامبر ﷺ آویخت. آن حضرت مهره را از گردن درآورد و فرمود: «مادر جان! آرام باش. خدای من که پیوسته با من است، نگهدار و محافظ من است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۳۹۲).

افزون بر این، پیامبر ﷺ از ذریه ابراهیم خلیل، قهرمان یکتاپرستی بود و همه پدران و نیاکان آن حضرت، موحد به‌شمار می‌آیند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۵؛ ج ۸، ص ۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۹۷؛ ج ۷، ص ۳۲۴؛ عاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۴-۷۵؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۶۵؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۱۹۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶، ص ۴۵۷؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۲۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۷۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۴۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۹۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۵۱؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۴۷؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۱۳؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۸۰ و ۱۱۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۳۳؛ ج ۲۴، ص ۵۳۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۰؛ ابن‌طاووس، ۱۳۶۷، ص ۵۹۰ و ۶۰۷ و ۶۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۴۹؛ ج ۱۵، ص ۱۲۷؛ ج ۷۴، ص ۵۶؛ ج ۹۶، ص ۳۸۴؛ ج ۹۷، ص ۱۸۷؛ ج ۹۸، ص ۲۰۰ و ۳۳۲؛ عاملی کفعمی، بی‌تا، ص ۲۷۴؛ موسوی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۶).

۳. به حکم عقل، پیامبر باید از هر چیزی که موجب نفرت و دوری مردم از وی می‌شود، منزّه و پاک باشد (حلی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵۰). مشرک بودن پیامبر، موجب نفرت و دوری مردم از وی می‌شود؛ پس پیامبر باید از شرک منزّه باشد. اگر پیامبری در برهه‌ای از زندگی خود مشرک یا کافر باشد، امت آن پیامبر از اجابت دعوت وی و

پیامبر ﷺ در آیه مورد بحث، در پاسخ به پیشنهاد کسانی که از او دعوت می‌کردند به آیین شرک بپیوندند، می‌فرماید: «علاوه بر اینکه عقل به من فرمان می‌دهد که تنها تکیه بر کسی کنم که آفریننده آسمان و زمین می‌باشد، وحی الهی نیز به من دستور داده است که نخستین مسلمان باشم و به هیچ وجه در صف مشرکان قرار نگیرم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۷۱-۱۷۲).

بنابراین، از آنچه در تفسیر آیه ۱۴ سوره «انعام» یاد شد به دست می‌آید که رویین به غلط برداشت کرده که آیه مذکور بیانگر شرک پیامبر ﷺ در قبل از اسلام و بعثت است. ۲. از لحاظ تاریخی، در میان همه پیغمبران الهی، پیامبر اکرم ﷺ یگانه پیامبری است که تاریخ کاملاً مشخصی دارد. یکی از سوابق روشن آن حضرت این است که در همه چهل سال زندگی پیش از بعثت، در آن محیط غوطه‌ور در شرک و بت‌پرستی، هرگز بتی را سجده نکرد و اگر یک‌بار کوچک‌ترین تواضعی در برابر آنها کرده بود در دوران مبارزه با شرک، مشرکان و کفار به او ایراد می‌گرفتند و گذشته وی را یادآور می‌شدند. حال آنکه در تاریخ و در قرآن کریم، انواع افتراها و دشنام‌ها به پیامبر از سوی دشمنان ثبت شده، اما هرگز کسی مدعی مشرک بودن او نشده است (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۶۹).

تاریخ‌نویسان در شرح ماجرای ملاقات بحیرا، راهب نصرانی، با پیامبر اکرم ﷺ در دوره نوجوانی نوشته‌اند: بحیرا پیامبر را به لات و عزّی سوگند داد که پاسخ سؤالانش را بدهد. محمد ﷺ پاسخ داد: «مرا به نام لات و عزّی سوگند نده که هیچ چیز را چون این دو بت ناخوش نمی‌دارم». سپس بحیرا آن حضرت را به خدا سوگند داد. این امر یکی از شواهد تاریخی محسوب می‌شود که دال بر موحد بودن پیامبر ﷺ در نوجوانی است و در منابع مختلف تاریخی ذکر شده است (شهیدی، ۱۳۸۱، ص ۳۸). شاهد تاریخی دیگر، مربوط به دوران کودکی

قبول سخنانش سر باز خواهند زد و دلیل خواهند آورد که تو در مقطعی از زندگی خود بر آیین بت پرستی بودی، حال ما را از آن نهی می‌کنی؟ و این عیب مانع از دعوت او می‌شود (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۴۰).

۳-۴. ناتوانایی پیامبر ﷺ بر ارائه معجزه

روبین معجزه و برهان نیاوردن حضرت محمد ﷺ در مقابل برخی از درخواست‌های مشرکان را ناشی از ناتوانی آن حضرت می‌داند و می‌نویسد: پیغمبر که نمی‌تواند برهان‌های شخصیت الهی‌اش را پدید آورد، متهم می‌شود که ساحر (یونس: ۲؛ هود: ۷) و شاعری مجنون است (صافات: ۳۶؛ دخان: ۱۴). پیام رسالت او نیز الهی محسوب نمی‌گردد و با انگ «خواب‌های شوریده» مردود شمرده می‌شود (انبیاء: ۵) (روبین، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۵۰).

۳-۴-۱ بررسی: اگر پیامبر ﷺ در برابر برخی از درخواست‌های مشرکان معجزاتی را ارائه نکرد، این امر به دلیل ناتوانی وی بر عرضه معجزه نبود. توضیح آنکه معجزات دو گونه‌اند:

الف) معجزاتی که برای اثبات صدق ادعای پیامبر و تشویق مردم به ایمان و تخویف منکران ضرورت دارند؛ یعنی معجزات منطقی برای حق‌طلبان که قرآن از آنها چنین تعبیر می‌کند: ﴿وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا﴾ (اسراء: ۵۹)؛ و ما معجزه‌ها را جز برای بیم‌دادن [مردم] نمی‌فرستیم.

ب) معجزاتی که اقتراح‌ی نامیده می‌شوند؛ یعنی معجزاتی که بهانه‌جویان آن را مطالبه می‌کنند نه برای حق‌طلبی و یقین به صدق ادعای نبوت و سپس ایمان آوردن، بلکه به گمان اینکه طرف را ناتوان کنند، و اگر هم توانایی دارد او را به سحر و ساحری متهم نمایند. پیامبران الهی تنها به سراغ قسم اول معجزات می‌رفتند و هرگز تسلیم بهانه‌جویان معجزات اقتراح‌ی نمی‌شدند. پس قرار نیست که پیامبر ﷺ هر معجزه‌ای را که مشرکان

درخواست می‌کردند انجام دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۲۴؛ خوئی، ۱۳۹۴ق، ص ۱۰۷-۱۰۸).

۳-۵. گستره رسالت

روبین درباره گستره رسالت حضرت محمد ﷺ می‌گوید: گستره رسالت پیغمبر ﷺ مدام میان گستره‌های جهانی و محلی نوسان دارد. گستره محلی، در آیتی نمود می‌یابد که در آنها به پیغمبر امر می‌شود قومش را به زبان خودش یعنی عربی بیم دهد تا فهم پیامش را آسان سازد (مریم: ۹۷؛ دخان: ۵۸). گستره محلی رسالت پیغمبر در آیه‌ای مشهودتر است که می‌گوید هیچ پیغمبری جز به زبان قومش فرستاده نشده است (ابراهیم: ۴). گستره محلی از این مفهوم مستفاد می‌شود که پیغمبر به نزد قومی فرستاده شده که پیشتر، هیچ بیم‌دهنده‌ای برایشان نیامده است (ص: ۴۶؛ سجده: ۳؛ یس: ۶؛ سبأ: ۴۴). در آیه‌ای که به پیغمبر امر می‌شود که خویشان نزدیکش (شعرا: ۲۱۴) را بیم دهد، مخاطبان او کم‌شمارتر می‌شوند. در آیه‌ای دیگر گفته می‌شود: او به سوی امتی فرستاده شده که پیش از آن امت‌های دیگری روزگار به سر می‌بردند (رعد: ۳۰)، که ظاهراً به این معناست که مخاطبان او اعرابند و با امت‌های پیشین (یهودیان و مسیحیان) متفاوتند. از طرف دیگر، آیات دیگر که آشکارا سمت و سوی جهانی دارند، حاکی از آن است که پیغمبر فرستاده، بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده‌ای است که برای تمامی مردمان یا تمامی موجودات یا نوع انسان فرستاده شده است و مخاطبان او به یک گروه خاص محدود نمی‌شود (نساء: ۷۹؛ اعراف: ۱۵۸؛ انبیاء: ۱۰۷؛ فرقان: ۱؛ سبأ: ۲۸؛ مدثر: ۳۶) (روبین: ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۴۳).

۳-۵-۱ بررسی: روبین با استناد به دو دسته از آیات قرآن، به گستره محلی و جهانی رسالت پیامبر ﷺ قایل شده، اما به تشریح رابطه این دو دسته آیات با یکدیگر نپرداخته

شاخت در جعلی دانستن اسناد احادیث است. این مبنا از پشتوانه علمی برخوردار نیست؛ زیرا برخی از حدیث‌پژوهان مسلمان و غیرمسلمان، به نقد شواهد و مستندات این رویکرد شکاکانه نسبت به احادیث اسلامی پرداخته‌اند که در اینجا مجالی برای طرح آنها نیست (برای اطلاع بیشتر از نقدهای وارد بر نظریات شکاکانه گولت تسیهر و شناخت درباره احادیث، ر.ک: موتزکی، ۲۰۰۴؛ فسوک، ۲۰۰۴، ج ۲۸، ص ۱۴-۱۵؛ اعظمی، ۱۹۷۸، ص ۲۹۳-۲۹۹؛ اشویلر، ۲۰۰۴، ص ۲۸، ۷۳ و ۷۵؛ روبسون، ۲۰۰۴، ج ۲۸، ص ۳۰، ۱۶۹-۱۷۰؛ هورویتز، ۲۰۰۴، ج ۲۸، ص ۱۵۴-۱۵۵؛ سزگین، ۱۳۸۰، ص ۹۷-۹۸ و ۱۰۵-۱۱۷).

نتیجه‌گیری

بررسی مقاله «محمد ﷺ»، نشان می‌دهد که روبین از آیات قرآن استفاده فراوان نموده و تقریباً برای هر مطلبی، به آیه‌ای از قرآن استناد کرده است. وی به هفتصد آیه قرآن استشهاد نموده است. در پژوهش روبین، انسجام مطالب و ارتباط موضوعات مطرح شده رعایت نشده است. حاشیه رفتن از اصل بحث و تفصیل بی‌مورد برخی از مطالب، مشکلی است که در پژوهش وی به چشم می‌خورد. برداشت نادرست روبین از برخی آیات قرآن، باعث شده تا وی اشتباهاتی در مورد برخی از مطالب مربوط به حضرت محمد ﷺ مرتکب گردد. همین امر، از اعتبار پژوهش او می‌کاهد. به نظر می‌رسد مواردی مانند توجه نکردن به سیاق آیات، دخالت ندادن زمینه‌های نزول آیه، بی‌توجهی به سخن مفسران و صحابه و به‌ویژه کلام معصومان علیهم‌السلام، استفاده نکردن از علوم قرآنی در تفسیر آیات (محکم و متشابه، مطلق و مقید، عام و خاص) و... موجب شده تا خاورشناسی همچون روبین، برداشت نادرستی از برخی آیات قرآن داشته باشند.

است. همین امر، باعث می‌شود که شبهه وجود تناقض در میان دو دسته آیات مذکور ایجاد گردد. حال آنکه تأمل دقیق در این دو دسته آیات، نشان می‌دهد که میان آنها تناقضی وجود ندارد؛ زیرا مجموعه آیات مورد بحث، مراحل مختلف دعوت پیامبر ﷺ را بیان می‌کنند. توضیح آنکه اسلام به تدریج گسترش یافت و پیامبر ﷺ در هر دوره از طول ۲۳ سال رسالتش، مأمور ابلاغ پیام به محدوده خاصی بود؛ ابتدا بستگان نزدیک (شعرا: ۲۱۴)، سپس قوم عرب (زخرف: ۴۴)، آن‌گاه همه جهانیان (فرقان: ۱) و... به طور طبیعی کسی که در پی فراخوان دیگران به عقیده و آرمان‌های خاصی است، نخست دعوت خویش را از منطقه‌ای یا مردمانی شروع می‌کند که او را می‌شناسند و در حقانیت او کمتر تردید می‌کنند؛ سپس به همه اهل دیار خویش و در پایان به مناطق دیگر تعمیم می‌دهد. مأموریت پیامبر ﷺ نیز نخست از بستگان خود شروع شد و به تدریج دایره دعوت آن حضرت گسترش یافت تا آنجا که به سران دو امپراتوری قدرتمند زمان خود (ایران و روم) نامه نوشت و آنان را به آیین اسلام دعوت کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۶۹).

۳-۶. تشکیک در روایات سیره و اسباب‌النزول

روبین در مورد روایات سیره پیامبر ﷺ و اسباب‌النزول می‌نویسد: در کل، باید حتماً به خاطر داشت که روایات سیره و اسباب‌النزول، خود بخشی از مطالب حدیثند که اصالت تاریخی آنها همچنان در پرده ابهام است (روبین، ۲۰۰۳، ج ۳، ص ۴۵۷).

۳-۶-۱. بررسی: چنان‌که گذشت، روبین به تردید در اصالت تاریخی روایات سیره و اسباب‌النزول پرداخته است. مبنای این دیدگاه، تشکیک‌های گولت تسیهر در اعتبار تاریخی روایات مربوط به صدر اسلام و دیدگاه‌های

- فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فیاض بخش، محمد تقی، ۱۳۸۹، **ترجمان وحی**، بی جا، بی نا.
- قربطی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، **الجامع لأحكام القرآن**، تهران، ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، **تفسیر القمی**، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، ج چهارم، قم، دارالکتاب.
- کاشانی، ملّا فتح الله، ۱۳۳۶، **تفسیر منہج الصادقین فی الزام المخالفین**، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، **الکافی**، ج پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، **سیری در سیره نبوی**، تهران، صدرا.
- مفید، محمد بن محمد نعمان، ۱۴۱۳ق، **تصحیح الاعتقاد**، قم، کنگره جهانی شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی، فخار بن معد، ۱۴۱۰ق، **ایمان ای طالب**، قم، سید الشهداء علی (ع) .
- مهدوی راد، محمد علی، ۱۳۸۲، **آفاق تفسیر، مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی**، تهران، هستی نما.
- Abbot, Nabia, 1967, *Studies in Arabic Literary Papyri II: Quranic commentary an tradition*, Chicogo, The University of Chicogo Press.
- Azami, Muhammad Mustafa, 1978, *Studies in Early Hadith Literature*, Indianapolis, American trust Publications U.S.A.
- Fueck, Johann, 2004, "The role of traditionalism in Islam", *Hadith*, Lawrance I. Conrad, Great Britain: Cromwell Press.
- Horovitz, Josef, 2004, "The Antigurty and origin of The Isnad", *Hadith*, Lawrance I. Conrad, Great Britain, Cromwell Press.
- Motzki, Harald, 2004, "Hadith: Origins and Developments", *Hadith*, Lawrance I. Conrad, Great Britain, Cromwell Press.
- Robson, James, 2004, "The isnad in Muslim tradition", *Hadith*, Lawrance I. Conrad, Great Britain, Cromwell Press.
- Rubin, Uri, 2003, "Muhammad", *Encyclopaedia of the Quran*, Leiden, Brill.
- Schoeler, Gregor, 2004, "oral torah and hadith: transmission' Prohibition of Writing'Redaction", *Hadith*, Lawrance I. Conrad, Great Britain, Cromwell Press.
- **منابع**
- آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، ۱۳۶۷، **اقبال الاعمال**، ج دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، **البحر المحیط فی التفسیر**، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر.
- اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، **کشف الغمّه**، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
- حقی بروسوی، اسماعیل بی نا، **تفسیر روح البیان**، بیروت، دارالفکر.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۶ق، **کشف المسراد فی شرح تجرید الاعتقاد**، تحقیق حسن حسن زاده آملی، ج ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۹۴ق، **البیان فی تفسیر القرآن**، قم، المطبعة العلمیه.
- سزگین، فؤاد، ۱۳۸۰، **تاریخ نگارش های عربی**، ترجمه مهرا ن ارزنده و شیرین شادفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، قم، کتابخانه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- شهیدی، سید جعفر، ۱۳۸۱، **تاریخ تحلیلی اسلام**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۳ق، **الخصال**، تحقیق علی اکبر غفاری، ج دوم، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، **مکارم الاخلاق**، ج چهارم، قم، شریف رضی.
- ، ۱۳۷۲، **مجمع البیان لعلوم القرآن**، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**، بیروت، دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی نا، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ، ۱۳۶۵، **تهذیب الاحکام**، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، ج چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عاملی، جعفر مرتضی، ۱۴۱۵ق، **الصحيح من سيرة النبي الأعظم**، ج چهارم، بیروت، دارالهادی و دارالسیره.
- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **البلد الامین**، چاپ سنگی.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۲ق، **تفسیر نورالثقلین**، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، ج چهارم، قم، اسماعیلیان.